

درنگی بر مواضع عیسی قنبر، رهبر حزب مساوات جمهوری آذربایجان

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :
دکتر افشار سلیمانی

ایراس

هر چند به تبع فروپاشی شوروی، انتظار می رفت که کشورهای به جای مانده تحولات عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تجربه کنند، اما روندها در دوره پسا شوروی نشانی از این تحولات به دست نمی دهد. در بیشتر کشورهای به جای مانده از شوروی سابق، همچنان همان روندها به صورتی متمرکز تکرار می شود و دولت ها هنوز در قبول مخالفین و اجازه به آنها برای ورود به روندهای تصمیم سازی سرسختی زیادی از خود نشان می دهند. جمهوری آذربایجان نیز از این قاعده مستثنی نیست و به رغم برخی اصلاحات، جریان های سیاسی در این کشور همچنان مورد انتقاد گروه های مدنی و سیاسی است که دولت و حزب حاکم را به تمامیت خواهی متهم می کنند. هم از این رو هر از چند گاه، اعتراضاتی از سوی احزاب مخالف در این کشور برای مشارکت بیشتر در روندهای سیاسی در رسانه ها منتشر می شود. در این میان، حزب مساوات و عیسی قنبر رهبر این حزب نسبت به سایر احزاب تلاش بیشتری برای ورود به حوزه قدرت از خود نشان می دهند.

این مصاحبه توسط الشاد ممدلی خبرنگار روزنامه ینی مساوات، ارکان حزب مساوات آذربایجان با عیسی قنبر رهبر این حزب صورت گرفته و در دو شماره متوالی این روزنامه به چاپ رسیده است. همچنین متن کامل مصاحبه در سایت روزنامه مذکور نیز قرار داده شده است. با توجه به اهمیت برخی مطالب در این مصاحبه، متن کامل آن را ترجمه و با افزودن تحلیل مختصری در معرض مطالعه علاقمندان به تحولات سیاسی جمهوری آذربایجان قرار می دهم.

در بخش دوم مصاحبه تیتر ذیل مشاهده می شود.
عیسی قنبر: تغییر رژیم علیف را آشکارا می بینم. اقتدار مجبور به پاسخگویی به نتایج حاصله از افزایش ناراضیهای عمومی خواهد شد. حاکمیت با بی توجهی به میلیونها رشوه ای که صاحبکاران می دهند، و بی دقتی به نیروهای دموکراتیک، روزنامه ها و نهادهای غیر دولتی برضد خود گام برمی دارد.

متن مصاحبه کننده در ذیل تیتر خبر مصاحبه:

در شرایطی که به انتخابات پارلمانی آذربایجان سه مانده، درحیات سیاسی کشور و در فرایند دموکراسی تحرک پر اهمیت زاید الوصفی احساس می شود. میان احزاب مخالف مذاکرات مربوط به متحد شدن جدی تر شده است. به امکان ایجاد همگرایی ارزش قائل می شوند، روند تعیین نامزدها یا جلب رضایت آنها در جریان است. در این اوضاع و احوال بمنظور ارزیابی روند حاکم در آذربایجان با عیسی قنبر رهبر حزب مساوات به گفتگو نشستیم.

اگر ممکن است بعنوان اولین سوال لطفا درخصوص چگونگی روند مذاکرات حزب جبهه خلق آذربایجان و حزب جبهه خلق کلاسیک و نتایج اولیه آن توضیح دهید؟

مطالعید که ما برای شرکت در انتخابات پارلمانی واریانتهای مختلف مبارزه و حضور مشترک و متحد را بررسی می کنیم. در این راستا با حزب جبهه خلق آذربایجان در حال مشورت هستیم. همزمان بطور موازی بین حزب مساوات و حزب اتحاد د برای دموکراسی نیز مشورتها ادامه دارد. در این مشورتها، بصورت دقیق شیوه های اتحاد مورد مذاکره قرار می گیرد. البته این کارسختی است و زمان زیادی را از دست داده ایم. بویژه در مورد اتحاد حزب جبهه خلق آذربایجان و حزب مساوات. برای شرکت در انتخابات پارلمانی مسائلی که چند ماه پیش از این براحتی قابل حل و توافق بود، اکنون سختتر شده است. طبیعی است که وظیفه سیاستمداران هم حل مسائل دشوار است. در حال حاضر برای حل این مسائل تلاش می کنیم و در همین راستا مذاکرات ادامه دارد.

چه موضوعی محور اساسی مذاکرات است؟ اتحاد این دو حزب یا همکاری آنها در انتخابات پارلمانی آتی؟ یا اتحاد در قالب یک بلوک سیاسی؟

پر واضح است که مسائل انتخاباتی مذاکره می شود. در مورد اتحاد، پیشنهاد من به حزب جبهه خلق آذربایجان (1) برای دوره پس از انتخابات پارلمانی در نظر گرفته شده است. این پیشنهاد شامل تمامی نیروهای سیاسی که در مسیر رسول زاده-ایلچی بی (8) قرار دارند، می باشد. بطور همزمان مذاکرات ما در این خصوص با حزب جبهه خلق و نمایندگان سایر احزاب مخالف دولت، گروههای سیاسی و فعالان اجتماعی ادامه دارد. اما اکنون محور اصلی گفتگوها مربوط به حضور مشترک و موثر در انتخابات است.

تحلیل گران و نمایندگان گروه های اجتماعی بر اتحاد حزب جبهه خلق و حزب جبهه خلق کلاسیک (2) و حزب مساوات (3) تاکید دارند. در این راستا هم مذاکرات سه جانبه ادامه

دارد. آیا این مذاکرات منجر به حضور مشترک و متحد این سه حزب در انتخابات پارلمانی خواهد شد؟

متأسفانه در حال حاضر مذاکرات سه جانبه در جریان نیست. مذاکرات میان ج.خ.خ. آ و ج.م. (4) انجام می شود و همزمان مشورت های ج.م. و حزب اتحاد برای دموکراسی (4) ادامه دارد. مایل نیستم در حال حاضر راجع باین موضوع که آیا همکاری مشترک سه جانبه ممکن خواهد بود ی نه؟ پیش بینی ننمایم. ما طرفدار تجمع و حضور متحد و مشترک مخالفان واقعی دولت در انتخابات پارلمانی هستیم. در این راستا هم به تلاشمان ادامه خواهیم داد. اگر این تلاشها به نتیجه برسد رسانه های گروهی را نیز مطلع خواهیم نمود.

اگر همکاری ج.م.، ج.خ.خ. آ و ج.خ.ک (5) میسر نشود، آیا همکاری این سه حزب بصورت موازی ادامه خواهد داشت؟

رضایت اولیه در این خصوص وجود دارد. یعنی ج.خ.خ. آ نسبت به مشورتهای ج.م. با ج. ا. ب. د. (6) مثبت می نگرد. ج. ا. ب. د. هم نسبت به مشاوره ج.م. و ج.خ.خ. آ. نظر مشابهی دارد. در دموکراسی راههای چاره پایان ناپذیر است. اگر فرمول آن را در نظر بگیریم اینگونه تصور می کنم که در بدترین واریانت، از امکانات معین بهره گرفته و بستری برای همکاری مان ایجاد خواهیم کرد.

آیا فهرست نهائی نامزدهای حزب مساوات مشخص شده است؟ چه موقعی این فهرست اعلام خواهد شد؟

می توانم بگویم که ما فهرست نهائی نامزدهایمان را بصورت کامل مشخص کرده ایم. با توجه به اینکه در حال حاضر پروسه ادامه دارد و احتمال دارد شرایط و موقعیتهای جدیدی هنگام مذاکره به منظور تعیین نامزدهای مشترک احتمالی توسط ج.خ.خ. آ و ج.م. بروز نماید لذا اعلام اسامی نامزدهای ج.م. منطقی بنظر نمی رسد. بدیهی است پس از اتمام مشورتها با ج.خ.خ. آ. می توان سخن دقیقی گفت.

آیا فکر نمی کنید با توجه باینکه تنها سه ماه تا برگزاری انتخابات مجلس ملی باقی مانده است، این اقدامات با تاخیر مواجه شده است؟

زمان اندکی داریم. اما تصور نمی کنم که دیر شود. برای اینکه به منظور نهائی کردن اسامی نامزدها زمان کافی داریم. بطور دقیق می توانم بگویم، هیچ حزبی و حتی حزب حاکم آذربایجان نوین هم نه تنها اسامی نامزدهای خود را اعلام نکرده اند بلکه این نامزدها را مشخص هم نکرده اند. فکر میکنم در این موضوع ما از حزب حاکم جلوتریم. چراکه اسامی نامزدها برای خودمان معلوم شده است.

حال که از حزب حاکم سخن به میان آمد، در همین رابطه می خواهم سوال کنم که در روند تعیین نامزدهای این حزب در درون حزب تضادهای جدی بروز نموده است. به نظر شما

چرا ج.خ. آ. (7) با این مشکلات مواجه شده است؟

وضعیت این حزب از وضعیت احزاب مخالف چند برابر بدتر است. اگر در نظر بگیریم که در درون آنها، رودرویی شدید و وحشتناک، گروه بندی ها و تضاد منافع وجود دارد، همچنین

ماهیت فهرست نامزدهای ح.آن و احزاب مخالف با یکدیگر فرق فاحشی میکند به عمق مسئله پی خواهیم برد. در فهرست نامزدهای احزاب مخالف و در شرایط سخت حفظ ارزشهای دموکراتیک و در جهت حفظ منافع ملی آذربایجان انسانهای فداکاری وجود دارند. اما در ح.آن مبارزه برای کسب رضایت نهاد ریاست جمهوری آذربایجان صورت می گیرد. موقعیتها کاملا متفاوت است. وضعیت حکومت آذربایجان به قدر کافی پیچیده است. در اصل سخن از فهرست نامزدهای حاکمیت در میان است نه نامزدهای حزب حاکم. زیرا ح.آن به عنوان یک حزب، نامزدها را خود راسا تعیین نمی کند.

به نظر شما فهرست ح.آن را در ریاست جمهوری چه کسی مشخص می کند؟

بدیهی است که در نهاد ریاست جمهوری اینکار توسط شخص اول و دوم کشور تعیین می شود.

این اقدام (تاثیر افراد حکومتی در تعیین نامزدها) باعث نمی شود که اقتدار این بار بیش از دوره های قبل با جدیت بیشتری برای برگزاری انتخابات آماده شود؟ چون که در دوره

های قبل مامورین رده بالای دولتی هم می توانستند افراد وابسته و مدنظر خودشان را وارد لیست نامزدها نمایند؟

هر چند که مامورین عالیترتبه دولتی و عناصر وابسته به الیگارش می توانستند افراد مورد نظر خود را وارد فهرست نامزدها نمایند، اما در نهایت این شخص اول و دوم کشور بودند که اسامی نهائی را مشخص می نمودند. یعنی هیچ مقامی یا الیگارش می نمی تواند راسا فردی را وارد لیست نموده و نماینده شدنش را در مجلس نهائی کند. در حال حاضر هم اینگونه است. لیکن اکنون حاکمیت نسبت به گذشته ضعیف تر شده و بیشتر هراس دارد. به همین دلیل هم از توان و میزان تحکمش کاسته شده است. به همین دلیل هم روند تعیین نامزدها در حزب حاکم لنگ می زند.

در انتخابات گذشته نهادهای بین المللی فعالتر دیده می شدند، امسال چرا همان حساسیت های قبلی از سوی آنها مشاهده نمی شود؟

من چنین تصویری ندارم که فعالیت آنها نسبت به گذشته کمتر شده است. بلکه برعکس، فکر می کنم امسال سفر نمایندگان نهادهای بین المللی به آذربایجان جدیتر از قبل شده است و انتخابات پارلمانی آتی در کشور ما در مرکز ثقل توجهات آنها قرار دارد. اگر تنها آخرین گزارش ارزیابی سازمان امنیت و همکاری اروپا را در نظر بگیریم خواهیم دید که به میزان زیادی به این انتخابات اهمیت و اولویت داده اند. در این گزارش به موازات تاکید بر آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی برگزاری تجمعات، بر اصول تشکیل کمیسیون های انتخاباتی بصورت جدی تاکید شده است. بطوری که به صورت برجسته ای در این گزارش با تاکید بر اینکه با توجه باینکه تحت نظارت بودن کمیسیون های انتخاباتی از سوی حکومت، سبب قطع اعتماد آنها به انتخابات خواهد شد از دولت آذربایجان خواسته شده است که نسبت به درک این موضوع اهتمام خاصی بعمل آورد. البته با توجه باینکه مذاکرات نمایندگان نهادهای بین المللی در پشت درهای بسته با مقامات آذربایجان صورت گرفته است و محتوای این مذاکرات انعکاسی شایسته در افکار عمومی نداشته است. طبیعی است که این تصور ایجاد شود که توجه آنها به انتخابات پارلمانی آذربایجان کمتر شده است. مذاکرات پشت درهای بسته هم به هر حال یکی از اصول دیپلماسی است. اما منتظر تاثیر این اصل دیپلماتیک در آینده خواهیم بود!

آیا تماسهای نهادهای بین المللی با احزاب مخالف دولت هم برای فضای دموکراتیک تاثیر گذار است؟ آیا اینگونه دیدارها انجام می پذیرد؟

نظر من فرق می کند. حزب مساوات و سایر نیروهای واقعی مخالف دولت بصورت واحد و به یک معنا دموکراتیک بودن فضای سیاسی کشور را وابسته به چگونگی مشارکت مردم در انتخابات می دانند و بارها این رویکرد خودشان را مطرح نموده اند. لذا فعال بودن در انتخابات را به جدی بودن یا نبودن دیدار با خارجی ها وابسته نمی دانیم و در این اندیشه هم نیستیم.

پس جمعیت چطور؟ آیا به فرابندها و روندها در فضای سیاسی کشور و انتخابات اهمیت لازم را می دهند؟ در احوال و روحیه انتخابات هستند؟ آیا احزاب مخالف خواهد توانست

حمایت مردم را به خود جلب کنند؟

حاکمیت برای برگزاری آرام این انتخابات دست به هر کاری می زند تا این انتخابات را هم مانند انتخابات سال 2008 آرایش نماید. دولت به قدری از مردم و نیروهای مخالف واهمه دارد که هر روز زمان برگزاری انتخابات و فرصت تبلیغات را کاهش می دهد. این اقدامات از یک سو از واهمه حاکمیت از مردم و از سوی دیگر از میزان حمایت مردم از نیروهای مخالف دولت حکایت می کند. حکومت از میزان نارضایتی مردم و اینکه مردم تا چه اندازه خواستار ایجاد تغییرات اساسی در کشور هستند خیلی خوب مطلع است. به همین دلیل واهمه دارد و می خواهد انتخابات را کم اهمیت جلوه و توجهات را نسبت به آن کاهش دهد. در کوتاهترین زمان رقابت هم خواهیم توانست رای دهندگان را به سوی خود جلب نماییم. من اطمینان دارم که در انتخابات آتی باز هم ما پیروز خواهیم شد. اما مثل همیشه شمارش آراء و رسمیت یافتن انتخابات و اعلام نتیجه نهائی شمارش آراء، بستگی به یک مبارزه جدی خواهد داشت. نتیجه این مبارزه را هم در موعد خود خواهیم دید!

در رابطه با تغییر ترکیب اعضای کمیسیونهای انتخاباتی که برای احزاب مخالف بسیار حائز اهمیت است چه اقداماتی صورت می گیرد؟

این موضوع همواره مورد عنایت خاص ح.م بوده است. در این راستا دست به هر اقدام ممکن و غیر ممکن زده ایم و از این پس هم تلاش هایمان را ادامه خواهیم داد. پس از انتخابات پارلمانی سال 2005 ح.م به این دلیل از پیشنهاد کمیسیون های انتخاباتی خودداری نمود تا بتواند این موضوع را کماکان به عنوان یک موضوع مورد مناقشه میان احزاب مخالف و حاکمیت، فعال نگهدارد و به فراموشی سپرده نشود تا از این رهگذر به درجات بالاتری از حضور در کمیسیون ها نائل شویم. به موازات گزارش سازمان کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در این خصوص، مذاکرات با حاکمیت از تاثیر خاصی برخوردار است. ما با خودداری از عضویت در کمیسیون هائی که به ما اختصاص یافته بود، راضی نشده ایم و این اقدام هم کافی نبوده است. همزمان با برگزاری تظاهرات گروهی، رجوع به نهادهای دولتی و بین المللی تلاش کرده ایم این موضوع مورد محافظت وزنده باشد تا به نتیجه خوبی برسیم. در این مسئله حرف نهائی زده نشده است. در کمیسیون ها جاهای خالی مشخص است. حاکمیت اگر به خود مطمئن است، اصول تشکیل این کمیسیون ها را تغییر دهد. حداقل باید برای حضور نمایندگان احزاب مخالف در کمیسیون های انتخاباتی شرایط لازم را ایجاد کند.

آیا نامزدی شما از حوزه شماره 15 منطقه یاسامال قطعی است؟ ستاد انتخاباتی تان ساماندهی شده است؟ در حال حاضر در منطقه خودتان فعال هستید؟ با مردم دیدار می کنید؟

آماذگیهای اولیه در شرف انجام است. در این خصوص بخش انتخاباتی ح.م. سرگرم است.

آیا نامزدیتان از یاسامال تصمیم خودتان است یا براساس تصویب ح.م.. شرکت می کنید؟

این تصمیم براساس رضایت عمومی اعضا و متخصصین انتخابات در ح.م. صورت گرفته است. البته من علاقه خاصی به این موضوع نشان نداده ام. هدف اساسی من انتخاب

خودم به عنوان نماینده پارلمان نیست. بیشتر به تغییر اوضاع سیاسی در کشور و حضور نمایندگان نیروهای دموکراتیک در مجلس فکر می کنم و در این راستا تلاش می نمایم.

آیا همراه با سایر احزاب از برگزاری تظاهرات اعتراض آمیز بدون مجوز راضی هستید؟

پیشرفت مشاهده می شود. تظاهرات همزمان سوم و یکم ژوئیه 2010 ح.م. ا.ب.د. و ج.خ.آ. در یک مکان گامی به جلو محسوب می شود. این تظاهرات نگاه داخلی و جهانی را بخود جلب کرد. بطور کلی می توانم بگویم از این تظاهرات راضی هستیم. در نشست احزاب هم از همه شرکت کنندگان از سوی احزاب تشکر و قدردانی بعمل آمد. البته نهادهای انتظامی متأسفانه با شرکت کنندگان برخورد تند داشتند و مامورین دولت با توسل به زور و ضرب و جرح و سرکوب آنان و بازداشت و حبس نمودن شان قوانین آذربایجان را به شکل فاحشی نقض کردند. ما کماکان خواستار آزادی دستگیر شدگان و پایان دادن به اقدامات غیر قانونی نهادهای دولتی هستیم. کسانیکه بازداشت شده اند، به نهاد های انتظامی، دادگاهها و دادستان مراجعه خواهند نمود.

اینگونه رفتار دولت را چگونه ارزیابی می کنید؟ تصور می کنید عدم اختصاص مکان برای برگزاری تظاهرات تا چه زمانی ادامه خواهد یافت؟

در اصل این سوال بیشتر متوجه حکومت است. من هم می توانم بگویم که اگر حاکمیت از تجمع آزادانه مردم واهمه دارد، پس می توان گفت، واقعیت را درک میکند. می دانند که مردم خواستار برکناری آنها از قدرت هستند. به همین دلیل است که آزادی احزاب مخالف و نیروهای سیاسی آزادخواه را محدود می کنند. اما به قول معروف ترسیدن هیچ فایده

ای ندارد. دولت با اینگونه اقدامات خود، نارضایتی را در میان مردم بیشتر افزایش می دهد و باید با نتایج گسترش نارضایتی ها تکلیف خود را معلوم کند. مدت زیادی است که رهبران احزاب مخالف، دیدارهای عمومی با مردم شهرها و بخشهای آذربایجان ندارند. آیا با توجه به اینکه انتخابات پارلمانی را پیش رو داریم، چنین دیدارهایی صورت خواهد گرفت؟

حزب مساوات همواره از حیث برگزاری برنامه های ویژه و انجام مشورت های منطقه ای از سایر احزاب متمایز بوده است. در طول سال جاری هم از این نوع برنامه ها زیاد داشته ایم. اکنون با توجه باینکه مدت زمان اندکی از تابستان باقی مانده و رقابت های انتخاباتی شروع خواهد شد، بنظر می رسد این دیدارها در طول برگزاری انتخابات در مناطق مختلف کشور باید انجام شود.

عیسی بیگ، در شرایطی که ح.م.ج.خ.آ.و.ج.خ.ک. مشغول انجام مذاکرات هستند، ما شاهد تلاش برای ایجاد یک بلوک سیاسی از سوی احزاب حزب دموکرات آذربایجان، حزب امید، حزب لیبرال آذربایجان و حزب هموطن و توسعه آذربایجان هستیم. این خبر مورد تأیید واقع شده است. آیا این جریانها برای انتخاب کنندگان برای تعیین موقعیت انتخاب شوندگان مشکل ایجاد نمی کند؟

هر سیاستمدار و حزبی، خود صلاحیت تصمیم گیری و درعین حال پذیرش مسئولیت تصمیمی را که گرفته است برعهده دارد. درمورد ح.م. باید بگویم که از سال 2000 این حزب در هر انتخاباتی که راسا یا باتفاق متفقیانش شرکت نموده، پیروز شده است. در برابر این نیروی سیاسی تنها حاکمیت ایستاده است. مردم هیچ وقت در انتخابات از میان سه گروه یا جناح یکی را برنگزیده اند بلکه همواره از میان دو جناح و نیروی سیاسی یکی را انتخاب کرده اند. در انتخابات 2010 هم موقعیت متفاوتی بوجود نخواهد آمد.

آیا مساوات صرفاً روی همکاری با ح.ج.خ.آ.و.ج.خ.ک. تأکید دارد یا در حزب به روی سایر احزاب هم باز است؟
ما در ابتدای تلاش جهت آماده شدن برای انتخابات پارلمانی در سال جاری، معیارهای خود را بصورت رسمی اعلام کردیم. نیروهائی که به شکل واقعی مخاف دولت هستند و خط مشی رسول زاده-ایلیچی بی را قبول دارند و طرفدار ایده ضرورت معرفی نامزدهای قوی برای شرکت در رقابت های انتخاباتی هستند، اگر بخواهند می توانند با ما باشند. بدیهی است در صورتی که مراجعه نمایند، به درخواست آنها بها داده و مورد بررسی قرار خواهیم داد. ما در همین مسیر راهمان را ادامه خواهیم داد.

پس از سال 2003 حاکمیت به تاکتیک مخالفت کاذب ارجحیت داد. به نظر می رسد در انتخابات پیش رو هم قصد استفاده از همان تاکتیک را دارد. با توجه به این موضوع آیا در این انتخابات موانعی ایجاد خواهد شد؟

تاکنون که موانع ایجاد کرده اند، پس از این هم ادامه خواهند داد. آنها را همه می شناسند. آنها به آلت دست بودن حاکمیت و ایفای نقش نمایشی مخالف دولت و شیوه کاریشان درمیان مردم شناخته شده هستند. آنها در هر شرایطی نخواهند توانست مانند یک نیروی واقعی مانع ایجاد کنند.

به دلیل اعمال برخی سیاستها از سوی دولت، احزاب مخالف از لحاظ مادی با تنگناهای زیادی مواجهند. آیا در مبارزات انتخاباتی برای تامین هزینه های لازم با کمبود مالی مواجه نخواهید شد؟

حزب مساوات همواره به واسطه برخورداری از قدرت عقیده، فعال بودنش، ارجحیت روشنفکرانه اش و هوادارانش در انتخابات برنده شده است. ما به پیروزی در انتخابات پیش رو هم اطمینان داریم. همیشه توان مالی حاکمیت بسیار بیشتر از توان مالی ما بوده است. در انتخابات 2010 هم، این تفاوت نسبت به گذشته خیلی بیشتر خواهد بود. اما اعضای مساوات با اتکاء به توانائیهای خود، فداکاری های اعضا و هواداران، روشفکر بودنشان، بارها نشان داده اند که بدون پول قادر به رفع بسیاری از مشکلات شده اند. امسال هم با هر توان مالی که داشته باشیم غلبه خودمان را اثبات خواهیم کرد. مضافاً اینکه مردم و کسانی که متمکن هستند هم باید در نظر داشته باشند که بی تفاوتی آنها به جریانهای موجود و در حاشیه ماندن شان از مبارزه، درنهایت به زیان آنهاست. یعنی در این حکومت میلیونها، صدها و دهها هزاررشته از صاحبکاران گرفته می شود، به نیروهای آزادیخواه، رسانه ها و نهادهای غیردولتی بی دقتی صورت می گیرد. سکوت در قبال این اقدامات علیه منافع مردم و همین صاحب کاران است. ما بعنوان احزاب مخالف مدافع منافع آنها هستیم و نمایندگی آنها را در پارلمان برعهده خواهیم گرفت و آنها نیز در شرایط سخت باید به ما رجوع نمایند. لذا با علم باین موضع ضروریست که همه در این مسیر فعال باشند. در رابطه با حضور آقای تاپدیق عباس عضو مجلس مساوات بر سر مزار مرحوم حیدرعلیف، هم در درون حزب و هم در میان نیروهای دمکرات ناخرسندی جدی مشاهده می شود.

پس از این اقدام، وی هنوز در حزب مانده است. آیا فکر می کنید او کماکان باید در حزب بماند؟ آیا از این موضوع بعنوان یک ابزار علیه حزب استفاده نمی شود؟
این موضوع در سطح رهبری حزب مورد مذاکره قرار گرفته و بر عدم تکرار چنین اقدامی تأکید شده است. این حادثه پس از نرفتن هیلاری کلینتن در سفرش به باکو به خیابان فخری (خیابانی که شخصیت های معروف سیاسی، فرهنگی آذربایجان من جمله حیدرعلیف در قبرستانی در همین خیابان به خاک سپرده شده اند) دومین حادثه مهم است. یعنی این اقدام دیگری در برابر تلاش های انجام شده در راستای ایجاد ایدئولوژی علیفی از طریق شخصیت پرستی وی محسوب می شود. تصور می کنم برداشته شدن چنین گامی و تصمیم و هشدار ما به تاپدیق عباس، هشدار به تمام احزاب به شمار می آید. لذا مذاکره در این مورد برای گروه های اجتماعی و احزاب دارای اهمیت است و می تواند نتیجه بخش باشد. ما ابراز پیشیمانی تاپدیق عباس از این حرکتش را کافی نمی دانیم و ادامه مذاکرات در این خصوص ازسوی مردم، گروههای مختلف اجتماعی و احزاب را درک می کنیم. زیرا مشاهده می شود توضیحات تاپدیق عباس و سایرین به مطبوعات نشان می دهد که این ماجرا بطور کامل هنوز پایان نیافته است. (یعنی مخاطبین بصورت کامل اقناع نشده اند) نکته مثبت در واکنش به این حادثه، این است که مردم بطور اصولی، نسبت به تمامی اشتباهاتی که صورت می گیرد، در انتظار موضعگیری حزب هستند. این بار هم نشان دادند که توقع واکنش از سوی ما را دارند. هر شهروند می تواند مطمئن باشد که مساوات هر زمان، هم بطور اصولی و هم عادلانه تصمیم گرفته است. ما به این روش ادامه خواهیم داد.

هیئت رئیسه حزب شورای حزب (خواستار بررسی مجدد این موضوع است. آیا مجدداً این موضوع بررسی خواهد شد؟ آیا خواسته آنها را به حق می دانید؟
هیئت رئیسه خواستار بررسی مجدد نیست. آنها این موضوع را پیشنهاد داده اند. هیئت رئیسه ارگان رسمی حزب نیست بلکه ارگان اجرائی حزب است. این شورا دارای انسانهای فداکار و مبارزی است. طبیعی است که ما با احترام زیادی به دیدگاه های آنها می نگرییم و پیشنهاداتشان را با دقت نظر بررسی می کنیم. آنها پیشنهاد داده اند و بطور طبیعی حزب هم به آن بی توجه نخواهد بود و اگر لازم باشد، مذاکره مجدد در رابطه با این حادثه ادامه خواهد یافت.

در چهارم آگوست سال جاری از زمان شروع رهبری الهام علیف در آذربایجان (با احتساب انتصابش به نخست وزیری) هفت سال می گذرد. این هفت سال را چگونه ارزیابی می کنید؟

این هفت سال، سال های گم شده (از دست داده شده و تلف شده) برای آذربایجان است. مانند دوره حیدرعلیف، دوره الهام علیف هم برای آذربایجان باید به شکل کامل بعنوان سالهای ازدست رفته ارزیابی شود. ما در طول این سالها امکان آزادسازی اراضی اشغالی مان، حفظ و افزایش ثروت های آذربایجان و فرصتهای حل مشکلات را ازدست داده ایم. روسها مثلی دارند، می گویند برای تحقق قول وعده داده شده باید هفت سال منتظر ماند، اما پدربزرگهای ما می گفتند دروغ بودن سخنی ظرف چهل روز مشخص می شود. موفقیت آمیز نبودن اقدامات الهام علیف از همان ابتدا معلوم بود و در همان چهل روز اول به اثبات رسید. حال که هفت سال گذشته، دیگر شکی باقی نمانده و این هفت سال یک میزان سنجش مهم محسوب می شود. اما رهبری الهام علیف برای کشورما دوره ازدست دادن فرصتهای بزرگ به حساب می آید. فکر می کنم اگر ملت آذربایجان اراده سیاسی خود را به میدان بیاورند، می توان به حاکمیت علیفها پایان داد. در نتیجه برگزاری انتخابات عادلانه، رسیدن به یک حکومت براساس اراده مردم قابل شکل گیری است.

آیا در انتخابات پارلمانی گرفتن نه یک بازوی حکومت از حزب حاکم (آذربایجان نوین) بلکه کل حکومت ممکن است؟
ما به روند پیش رو به عنوان انتخابات پارلمانی می نگرییم. در این انتخابات غلبه خواهیم کرد. تلاش خواهیم نمود نماینده واقعی مردم در مجلس باشیم. (یعنی خودمردم باشیم)

اما زمان نشان خواهد داد که روندهای سیاسی در کشور چه موقعیتی هائی را در برابر ما قرار خواهد داد و چه امکاناتی را برای ما فراهم خواهد نمود؟

آیا باتوجه به شرایط موجود درمنطقه می توان پیش بینی کرد که موقعیتی برای تغییر حاکمیت در آذربایجان ایجاد خواهد شد یا نه؟

من بعنوان یک سیاستمدار پایان یافتن رژیم عیلف وتغییر آن را آشکارا می بینم. اما اینکه درچه زمانی این اتفاق خواهد افتاد، بستگی به کم و کیف پروسه های بین المللی، منطقه ای و اراده ملت آذربایجان دارد. به همین دلیل هموطنانم را دعوت می کنم که اراده خود را به میدان آورند.

در مورد حل مناقشه قره باغ کوهستانی، اصول تجدید نظر شده مادرید هم نتیجه مثبتی کسب نکرده است. به نظر شما آذربایجان از این به بعد چه اقدامی باید انجام دهد؟

من عدم نتیجه بخش بودن این اقدامات را به کسانی که به اینگونه مذاکرات خوش بین بودند و انتظار برپائی حق و عدالت داشتند و به کسانی که از روند گفتگوها ناخرسند می شدند وهمچنین به افرادی که نگران ازدست دادن قره باغ به لحاظ حقوقی بودند و دراین باره هشدار می دادند، تذکر داده ام. هر زمان گفته ام که این مذاکرات نمایشی بیش نیست و درنتیجه آن هیچ پیشرفتی ممکن نخواهد شد. نتیجه کنونی مذاکرات هم بیانگر صحت این مدعاست. مسئولیت ایجاد چنین وضعیتی از یک سو بر عهده ارمنستان اشغالگزار سوی دیگر برعهده دولت اشغالگرو بی توجه به معیارهای بین المللی و برخی هواداران ارمنستان و نهادهای بین المللی به دلیل عدم اتخاذ موضع متحد در قبال حفظ تمامیت ارضی آذربایجان، می باشد. در عین حال سیاست های اشتباه عیلف ها در طول 17 سال گذشته سبب شده تا اوضاع کنونی را شاهد باشیم. برای تغییر این اوضاع، باید شیوه اداره آذربایجان تغییر کند و در کشور تغییرات دموکراتیک روی دهد. رهبری دولت باید بر عهده نیروهائی باشد که از سوی مردم انتخاب می شوند، تا با توجه به منافع مردم، بتوانند تغییرات لازم را انجام دهند. این تغییرات باید با هدف تقویت همه جانبه آذربایجان در عرصه های اقتصادی، نظامی، سیاسی و دیپلماسی صورت پذیرد. آذربایجان باید مناسب زمانه و ارزش های خود بعنوان یک دولت موجودیت داشته باشد تا بتواند این مشکل سخت را مرتفع نماید.

به نظر می رسد در شرایط کنونی عوامل درونداد و برونداد تاثیر گذار بر تحولات آذربایجان بستری برای پیروزی تمام عیار مخالفان دولت باکو فراهم نخواهد کرد؟

از حیث داخلی به هر حال اوضاع کنونی آذربایجان نسبت به سالهای قبل در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی مناسب تر شده واز میزان نارضایتی های عمومی کاسته شده است. هر چند که نارضایتیها وجود دارند و تاثیر نسبی خود را بر روند تحولات این کشور بر جای می گذارند. بدیهی است دولت باکو خیلی بهتر از آنچه انجام داده است می توانست انجام دهد اما مشکلات موجود در این کشور به اندازه ای نیست که سبب پیروزی تمام عیار احزاب مخالف در آذربایجان شود. از سوی دیگر باتوجه باینکه اکثریت احزاب مخالف در آذربایجان بویژه احزاب شاخص این کشور یعنی جبهه خلقی ها و مساوات در گذشته از آزمون کشورداری موفق بیرون نیامده اند در نزد اکثر مردم محبوبیت چندانی ندارند و اکثریت مردم چنین می اندیشند که اگر این احزاب دوباره به قدرت دست یابند باز هم نخواهند توانست کشور را بصورت شایسته اداره نمایند. از دیگر سو از منظر روانشناختی و جامعه شناسی سیاسی مردم آذربایجان علاقمند به بروز تنش و بحران درکشور نیستند و با امید به بهتر شدن اوضاع به حفظ وضعیت موجود درکشور راضی هستند. این سخن عیسی قنبر مبنی بر نگرانی او از شیوه شمارش آراء و اعلام رسمی نتایج انتخابات حاکی از آن است که وی امیدی برای پیروزی قاطع مخالفان در انتخابات آتی پارلمانی ندارد. در عین حال که با اطمینان از پیروزی در این انتخابات سخن می گوید. از هم اکنون واضح است که با اعلام پیروزی حزب حاکم و کسب اکثریت مطلق آراء در مجلس توسط حزب آذربایجان نوین، احزاب مخالف همچون دوره های پیشین اعلام خواهند کرد که در انتخابات تقلب صورت گرفته و نتیجه انتخابات را تأیید نمی کنند. در چنین حالتی با توجه باینکه نامزدهای احزاب مخالف بصورت حقیقی نیز در انتخابات شرکت می کنند تعدادی از آنها وارد مجلس ملی خواهند شد. بنظر می رسد این نگاه رهبر حزب مساوات را که معتقد است در درون حزب حاکم تضادهائی وجوددارد و نامزدهایشان را نتوانسته اند مشخص نمایند نباید خیلی جدی گرفت. چرا که حزب حاکم با توجه به تجاربی که از انتخابات گذشته دارد و فعالیت هائی که در طول پنج سال گذشته داشته است مشکلی از این حیث نخواهد داشت و در موقع مقرر نامزدهای نهائی خود را معرفی خواهد نمود. مضافا اینکه بااحتمال زیاد تعداد قابل توجهی از این نامزدها مشخص شده اند. وانگهی اخبار موجود پیرامون تحركات احزاب مخالف در راستای آماده شدن برای شرکت در انتخابات بیانگر آن است که درداخل احزاب و بین احزاب مختلف از یکسو درخصوص تعیین نامزدهای انتخاباتی و از سوی دیگر درمورد ائتلاف احزاب نیز با یکدیگر اختلاف نظر جدی وجود دارد بگونه ای که برخی از شخصیت های بعضی از احزاب، سایر احزاب رابه سیاست بازی و عدم صداقت متهم می کنند وحتى دربرخی موارد این اتفاق در درون احزاب در ارتباط با اعضای همان حزب رخ می دهد.

از نگاه عوامل برون داد می توان گفت درانتخابات آتی پارلمانی در آذربایجان مشکلات و موانع قابل توجه و تاثیرگذاری که بتواند سرنوشت این انتخابات را دگرگون سازد بروز نخواهد کرد. به هر حال درنهایت ناظران غربی در پایان برگزاری انتخابات با تأیید برخی اقدامات و انتقاد از برخی دیگر از اقدامات در عرصه انتخابات بصورت نسبی آن را مورد تأیید قرار خواهند داد و اظهار امیدواری خواهند نمود که در انتخابات بعدی نواقص و کسریها جبران شود. یا اینکه برخی از ناظران قدری تند برخورد خواهند نمود و بعضی دیگر از آنها با برخورد نرم خود توازن در ارزیابی شان از انتخابات ایجاد خواهند نمود. کشورهای غربی نیز واکنش مشابهی از خود نشان خواهند داد. نمایندگانی هم که ازسوی اتحادیه کشورهای مشترک المنافع (شوروی سابق) بر این انتخابات نظارت خواهند نمود بصورت کامل دموکراتیک بودن آن را مورد تأیید و تأکید قرار خواهند داد. برخی کشورهای همسایه آذربایجان نیز چنین موضعی اتخاذ خواهند نمود. اگر هم بصورت کامل تأیید نکنند خواهند گفت که در برخی شعب اخذ رای موارد کوچکی برخلاف قانون دیده اند اما این تخلفات تا آن حد نبوده که بر سرنوشت انتخابات تأثیر جدی داشته باشد.

با نگرش به آنچه ذکر شد، در انتخابات ماه نوامبر سالجاری نیز اعم از اینکه احزاب مخالف دولت تا چه اندازه در قالب ائتلاف کامل، ائتلاف میان دو یا چند حزب یا منفردا بعنوان یک حزب و بصورت منفک در این انتخابات شرکت نمایند و نامزد های خود را برای رقابت با حزب حاکم معرفی کنند، بنظر می رسد همچون دوره قبل (سال 2005)، تعداد اندکی از نامزدهای احزاب مخالف وارد پارلمان خواهند شد و اکثریت قاطع نمایندگان مجلس از حزب آذربایجان نوین یعنی حزب حاکم این کشور خواهد بود. ضمن اینکه باید درنظر داشته باشیم که سیستم حکومتی آذربایجان ریاستی (ریاست جمهوری) است و پارلمان از قدرت زیادی در این کشور برخوردار نیست. بنابراین آنچه که عیسی قنبر در انتظار آن است یعنی تجمیع عوامل منطقه ای، بین المللی و داخلی (بویژه به میدان آمدن اراده ملت برای تغییر) برای پیروزی مخالفان دولت آذربایجان عینیت نخواهد یافت و از این رهگذر کنار رفتن دولت الهام عیلف محقق نخواهد شد.

زیرنویسها از نویسندگان می باشد که با توجه به مسئولیتهائی که داشته شاهد نزدیک بسیاری از تحولات دودهه اخیر آذربایجان بوده است.

1- درحال حاضر رهبر این حزب علی کریملی نام دارد. رهبراین حزب ابوالفضل عیلف مشهور به ایلیچی بی که درآستانه فروپاشی شوروی علیه روسیه مبارزه کرد ودولت حاکم آذربایجان به رهبری ایاز مطلب اف را ساقط نمود. ایلیچی بی درانتخابات خرداد 1371 به ریاست جمهوری آذربایجان انتخاب شد. اما راس یک سال دولت وی پس از یک کودتای نظامی توسط سرهنگ صورت حسین اف سقوط کرد. ایلیچی بی که از مخالفان حیدر عیلف رئیس مجلس جمهوری خودمختار نخجوان از توابع جمهوری آذربایجان بود از حیدر عیلف درخواست نمود به باکو بیاید و اوضاع را سروسامان دهد. حیدرعیلف 19 خرداد 1371 وارد باکو شد و از سوی نمایندگان مجلس ملی آذربایجان بعنوان رئیس مجلس برگزیده شد (طبق قانون آذربایجان عضو مجلس نخجوان عضو مجلس ملی آذربایجان هم محسوب می شود). پس از چندروز که یک هفته هم طول نکشید ایلیچی بی بدون اینکه اطلاع دهد باکو را ترک نمود و علی رغم انتظار حیدر عیلف، وی به باکو بازنگشت و بدین طریق پست ریاست جمهوری را ترک نمود.

حیدر عیلف نیز براساس قانون اساسی وقت آذربایجان که رئیس مجلس درغیاب رئیس جمهور کفیل ریاست جمهوری می گردد اختیارات دولت را در دست گرفت. در این فاصله او موفق شد با فرمانده کودتایچیان سرهنگ صورت حسین اف مذاکره نماید واین بحرا را خاتمه دهد. ارمنیها ازاین فرصت استفاده کردند وچند شهر دیگر آذربایجان را تصرف نمودند. اشغالگری ارمنه در اوایل ریاست جمهوری حیدر عیلف هم ادامه داشت. بگونه ای که در شرایطی که هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت ایران از دوم تا چهارم آبان ماه 1372 در

سفر رسمی باکو به سر می برد. فشارهای ارامنه برای تصرف اراضی آذربایجان ادامه داشت اما با میانجی گری ایشان و دکتر ولایتی وزیر خارجه وقت ایران ارامنه در زمان حضور هیئت ایرانی در باکو از ادامه تهاجم خود دست کشیدند اما به فاصله یک روز پس بازگشت هیئت ایرانی به تهران شهر مرزی آذربایجان با ایران یعنی زنگیلان را اشغال نمودند و این آخرین شهر اشغال شده توسط نیروهای ارمنستان می باشد. ایلیچی بی همواره علیه ایران و روسیه موضع گیری می کرد و علیرغم اینکه انسان پاکی بود از کشورداری آنگونه که باید نمی دانست و اکثریت تیم او هم تجربه قابل توجهی نداشتند لذا بیش از یکسال دولتش دوام نیاورد.

2- حزب جبهه خلق کلاسیک آذربایجان پس از فوت ایلیچی بی انشعاب پیدا کرد و این حزب از درون آن به منصف ظهور رسید. رهبر این حزب هم میرمحمد میر علی اوغلو می باشد. هر دو حزب از مخالفان دولت باکو و دولت ایران هستند و همواره علیه دولت خود و ایران موضع گیری می نمایند.

3- رهبر حزب مساوات آذربایجان عیسی قنبراف است که در سالهای اخیر نام خود را به عیسی قنبر تغییر داده است. وی در دوره حکومت جبهه خلق در آذربایجان و ریاست جمهوری ایلیچی بی رئیس مجلس ملی آذربایجان بود که با فشار فرمانده کودتا سرهنگ صورت حسین اف از این سمت استعفا داد. او در سال 2003 در انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان رقیب الهام علیف بود و آراء نسبتاً خوبی کسب کرد. بگونه ای که احزاب مخاف و حزب مساوات مدعی بودند که عیسی قنبر برنده انتخابات است و دولت باکو در انتخابات تقلب نموده است. با اعلام پیروزی الهام علیف مخالفان به اعتراض برخاستند که منجر به کشته شدن و زخمی شدن عده ای و بازداشت، محاکمه و زندانی شدن تعدادی از اعضا و هواداران احزاب مخالف گردید. این حزب در انتخابات پارلمانی آذربایجان هم همزمان با حضور سایر احزاب مخالف حضور می یابد و هم اکنون نیز چند نماینده در مجلس ملی آذربایجان وابسته به این احزاب است. اما حزب حاکم آذربایجان نوین اکثریت مطلق پارلمان را در دست دارد. مخالفان معتقدند دولت آذربایجان در انتخابات بویژه در مرحله

شمارش و اعلام رسمی نتیجه تقلب می کند و بدین صورت اکثریت مجلس را از آن خود می نماید.

4- در این نوشتار منظور از (ح.ج.خ.آ) حزب جبهه خلق آذربایجان و منظور از (ح.م.) حزب مساوات است.

5- در این نوشتار منظور از (ح.ج.خ.ک) حزب جبهه خلق کلاسیک می باشد.

6- در این نوشتار منظور از (ح.ا.ب.د) حزب اتحاد برای دموکراسی می باشد.

7- در این نوشتار منظور از (ح.آ.ن) حزب آذربایجان نوین حزب حاکم آذربایجان برهبری الهام علیف است. این حزب توسط حیدر علیف پدر ایشان قبل از بازگشت از نجوان به باکو

و گرفتن قدرت تشکیل شده بود و رهبر آن نیز حیدر علیف بود.

8- منظور عیسی قنبر از خط رسول زاده ایلیچی بی همان محمد امین رسول زاده رهبر حزب مساوات در سالهای جنگ جهانی اول بود. رسول زاده اولین شخصیتی است که در 28

ماه می 1918 استقلال آذربایجان را اعلام کرد. دولت بیش از دو سال دوام نیافت و روسها با اشغال آذربایجان و سرکوبی آنها به این استقلال خاتمه دادند. ایلیچی بی هم مدعی

ادامه راه رسول زاده بود. هر دو این شخصیتها، تفکرات ملی گرایانه داشته و به دولت لائیک اعتقاد داشتند. ایلیچی بی تحت تاثیر مصطفی کمال پاشا معروف به آتاتورک بنیانگذار

ترکیه جدید پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی بود و به اندیشه های او تاسی می جست و به همین دلیل ارتباط بسیار نزدیکتری با ترکیه داشت.

به نحوی که در دوره حکومت یکساله ایلیچی بی برخی از شخصیتهای ترک از مشاوران نزدیک او بودند و به برخی مناصب دولتی هم رسیده بودند. سطح و عمق این روابط

دوره حیدر علیف تا حدودی کاهش یافت. بگونه ای که حیدر علیف با ایجاد تغییر در قانون اساسی زبان رسمی کشور را که ترکی درج گردیده بود به آذری تغییر داد. از دوره حیدر

علیف به بعد روابط باکو و آذربایجان تا حدود زیادی وارد چارچوب مشخصی شد.

نویسنده: دکتر افشار سلیمانی، تحلیل گر مسائل قفقاز و سفیر سابق ایران در آذربایجان